

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

شماره نخست - بهار ۱۳۸۸

صص ۱۱۶ - ۱۰۱

تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی

دکتر سعید وثوقی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۱۲

تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۲/۴

چکیده

امروزه دیگر امنیت هر کشوری به وضعیت استحکام، قدرت و بنیان و ساختار آن منتهی نمی‌شود، بلکه ماهیت و چگونگی تحولات و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی آن کشور می‌تواند باعث تقویت امنیت و یا تهدیدات امنیتی باشد. امنیت هر کشور با امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباط دارد. این مقاله قصد دارد با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی ج.ا.ا در منطقه قفقاز جنوبی و همچنین با توجه به مواضع ج.ا.ا در رابطه با این کشورها با عنایت به برداشت ایران از امنیت منطقه‌ای خود تهدیدات امنیتی ج.ا.ا را در منطقه قفقاز جنوبی شناسایی کند و مورد بررسی قرار دهد. **واژه‌های اساسی:** امنیت، تهدیدات امنیتی، قفقاز جنوبی، سیاست خارجی، ژئوپولیتیک.

مقدمه

بی‌شک موقعیت ژئوپولیتیکی ج.ا.ا یکی از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری سیاست خارجی این کشور است و استراتژی کشورها در راستای دستیابی به منافع ملی طراحی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

می‌گردد. هویت‌یابی منافع ملی متأثر از توانمندی‌های یک کشور در دستیابی به منافع ملی است (اطاعت، ۱۳۷۶: ۳ / مینایی، ۱۳۸۱: ۱۵۷ / دهشیار، ۱۳۸۶: ۱۲). از این‌روست که موقعیت ژئوپولیتیکی یک کشور می‌تواند توجیه‌کننده اهداف ملی، منافع ملی و راههای دستیابی به این منافع باشد. به همین دلیل برای درک درست این مقوله باید به مصادیق تهدیدات امنیت ملی کشورها از لحاظ موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک بیشتر توجه شود. در این مقاله در صدد هستیم به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

۱- امنیت از دیدگاه دست‌اندرکاران سیاست خارجی ج.ا.ا چگونه تعریف می‌شود؟

۲- اهداف سیاست خارجی ج.ا.ا در قفقاز کدام است؟

۳- تهدیدها و چالش‌های امنیتی ج.ا.ا در حوزه قفقاز جنوبی کدام است؟

چارچوب نظری: مجموعه امنیتی

مفهوم امنیت در دنیای کنونی دچار تحولات شگرفی گردیده است. در عصر کنونی دیگر فقط امنیت از جنبه نظامی و تهدیدات خارجی تفسیر نمی‌شود و طیف وسیع‌تری از تهدیدات مطرح است. برای مدت طولانی مفهوم امنیت بر اساس روابط قدرت میان کشورها و به‌طور مشخص به عنوان دفاع در برابر حمله خارجی تحلیل می‌شد. اگر چه برنامه‌های اقتصادی و سیاسی از بعد تأثیرات آنها بر بالا بردن توان نظامی اهمیت دارند، اما تعاریف تک‌بعدی از امنیت اهمیت خود را از دست می‌دهند. بنابراین مفهوم امنیت مرکب از چندین ارزش ملی است و چندین ارزش مرتبط با هم را در برمی‌گیرد. بسیاری از تهدیدات امنیتی در چارچوب امنیت واحدهای ملی تعریف می‌شوند و زمانی مطرح می‌شوند که تهدیدات ملی وجود داشته باشند. تهدیدات قابل شناسایی نیستند ولی قابل تعریف هستند. بسته به اینکه هنجارهای یک واحد ملی چه هستند تهدیدات آن واحد ملی تعریف می‌شوند. به همین صورت است که وجود ناتو در قفقاز برای گرجستان موهبت و برای جمهوری اسلامی ایران تهدید به شمار می‌رود (کاظمی، ۱۳۸۴: ۲۴). با توجه به تأثیر متقابلی که کشورها بر یکدیگر دارند و گستردگی ارتباطات در سطح جهانی، طبیعی است که امنیت در چارچوب ملی محدود نخواهد شد. یعنی در منطقه قفقاز جنوبی به دلیل شرایط تاریخی، سیاسی و استراتژیک، تضمین

امنیت ملی در گرو امنیت منطقه‌ای است. در دنیای کنونی بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی صرفاً محدود به یک محدوده جغرافیایی یا یک کشور محدود نمی‌شود. در قفقاز جنوبی هم، وجود منافع مشترک اقتصادی، سیاسی و ژئواستراتژیک دولت‌ها را مجبور می‌سازد تا سازوکارهایی را برای برقراری امنیت منطقه‌ای جست‌وجو نمایند.

پیوندهای امنیتی ریشه در مجاورت جغرافیایی، پیشینه تاریخی و فرهنگی مشترک واحدهای یک منطقه و دیدگاه‌های بین‌المللی کشورها دارد. ایران نیز به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای که در مجموعه امنیتی منطقه‌ای قفقاز جنوبی و مناطق مجاور خود قابلیت نقش‌آفرینی دارد، هم بر آن تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. بوزان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به صورت یک دسته از کشورها با شبکه‌ای از روابط امنیتی متمایز و مهم توصیف می‌کند. بنابراین عنصر مرکزی در روابط امنیتی مؤلفه‌های وابستگی متقابل است که به مفهوم امنیت مربوط می‌شود. اعضای مجموعه امنیتی قفقاز هم، در داخل یک ناحیه جغرافیایی مشخص و معین قرار گرفته‌اند (مورگان، ۱۳۸۱: ۴۸). با عنایت به شرایط کنونی ساختار نظام بین‌الملل به نظر می‌رسد توجه به این مناطق جلب شده است. تأییراتی که ایران ممکن است بر منطقه قفقاز داشته باشد، توجه قدرتهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای را به منطقه جلب کرده که به سهم خود بر پویایی حوادث منطقه قفقاز و بر مواضع منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف از جمله امنیت تأثیر می‌گذارد. روی آوردن به مناطق در جهت ایجاد مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای ناشی از یک روند بین‌المللی به‌منظور بازتعریف ساختار قدرت از یک طرف و میل به بقای واحدهای سیاسی در حد مقدمات و امکانات از طرف دیگر است (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۹-۱۸). علی‌رغم مجاورت جغرافیایی و پیوندهای تاریخی بین ایران و کشورهای منطقه قفقاز بسیاری از پژوهشگران خارجی و یا حتی داخلی ایران را جزئی از منطقه قفقاز محسوب نمی‌کنند (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۰۲۵-۱۰۲۱). اما کشورهایی که به لحاظ جغرافیایی در مجاورت هم قرار دارند، غالباً دارای ارتباط سیاسی دو یا چندجانبه هستند. سیاست خارجی آنها به‌ویژه براساس اندازه طبیعی و سطح پیوستگی بین دولتها، ماهیت ارتباط بین دولتها و ساختار روابط به‌شدت از هم تأثیر می‌پذیرند. بنابراین نظام‌های سیاسی منطقه‌ای، به نوعی تمایل منطقه‌ای را منعکس می‌کنند (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۳: ۶۱).

با توجه به اینکه جنگهای ۵۰ سال اخیر بیشتر منطقه‌ای بوده است، می‌توان انتظار داشت که مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای صحنه اصلی مناقشه و امور امنیتی باشند. درگیریهای اخیر گرجستان هم مؤید این موضوع است. پس تهدیدات امنیتی موجود در منطقه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و به صورتهای گوناگون بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد. بنابراین شناخت این تهدیدات ضروری است و تلاشهایی که در جهت ایجاد یک سازوکار منطقه‌ای به منظور حل معضلات امنیتی و رسیدن به یک امنیت منطقه‌ای از طرف جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود منطقی به نظر می‌رسد (زارع، ۱۳۸۲: ۲۵ - ۲۰).

دیدگاههای امنیتی جمهوری اسلامی ایران

کوشش برای بالا بردن حد امنیت، یکی از مهمترین نگرانی‌ها و یکی از پایه‌های سیاست خارجی دولتهاست. نگرشهای متفاوت نظامی، اقتصادی و سیاسی به امنیت وجود دارد (داوید، ۱۳۸۳: ۷-۳). دیدگاههای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در زمینه امنیت به دلیل نبود تعاریف ثابت و مشخص متفاوت بوده است. آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد، تحولی است که در مفهوم امنیت از نگاه ج.ا.ا اتفاق افتاده است. خیلی از متون راجع به امنیت از دیدگاه ج.ا.ا سه رویکرد را با ویژگیهای خاص بیان کرده‌اند: دوران اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امنیت «بسط‌محور» در دیدگاه امنیت ملی کشور غلبه داشته است که محصول شرایط بعد از انقلاب است و پایه‌های امنیت نظام در خارج از مرزهای جغرافیایی تعریف می‌شد (تاجیک، ۱۳۸۰: ۵۴-۴۴). در دوران دوم رویکرد امنیتی ج.ا.ا بر اساس مؤلفه‌های جنگ سرد است. ایران در سایه دو قطب قدرت سعی در فراهم آوردن زمینه‌هایی برای تغییر قواعد بازی دارد. اما جنگ ۸ ساله باعث شکل‌گیری رویکرد «حفظ‌محور» می‌شود. به همین دلیل در تحلیل مقاطع مختلف جنگ از چرخه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی صحبت می‌کنند (دهشیری، ۱۳۸۰: ۳۸۴-۳۷۴). در این دوران حفظ نظام در رأس همه مسائل است.

در رویکرد سوم فضای حاکم، شرایط بعد از جنگ سرد است. دگرگون شدن فضای بین‌المللی، تحول در شکل مخاطرات امنیتی را به وجود می‌آورد. در پی این

شرایط ج.ا.ا تلاش می‌کند تا منطق وابستگی متقابل در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی بین‌المللی را بپذیرد. این رویکرد ناشی از شرایط اجتماعی و تغییرات ساختاری بین‌المللی بود. در این دوران الگوهای مطرح در سطح بین‌المللی نظریه نولیبرال است. براساس این رهیافت هرگونه امنیت‌سازی بر اساس ترکیبی از مؤلفه‌های اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پس ضرورت‌های استراتژیک و اقتصادی در چارچوب سیاست‌های امنیتی دخالت داده می‌شود و فرایندهای منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری‌جویانه و مصالحه‌گرایی مورد توجه است. چنین رویکردی در حوزه‌های نظامی استراتژیک آثاری بر جای می‌گذارد و بسیاری از نظریه‌پردازان تلاش می‌کنند تا فضای جدید امنیتی ج.ا.ا را بر اساس فضای همکاری‌جویانه و تنش‌زدایی مورد توجه و بررسی قرار دهند (متقی، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۱). هر سه دوره با توجه به حوادث رخ داده در این دوران‌ها مانند انقلاب اسلامی، اشغال سفارت آمریکا در تهران و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تأثیر شگرفی بر ماهیت سیاست خارجی ج.ا.ا داشته است.

سیاست خارجی ج.ا.ا نسبت به مرزهای شمالی با توجه به رخداد‌های داخلی و بین‌المللی متأثر از چهار مؤلفه اساسی طی این دوران‌ها بوده است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از یک سو تهدید ۲۰۰ ساله را بر طرف کرده و از طرف دیگر باعث ارتباط بی‌واسطه ج.ا.ا با کشورهای حوزه خزر گردیده است. از طرف دیگر با توجه به مواضع خصمانه ایالات متحده نسبت به ایران باعث تقویت یک رویکرد روسیه‌محور در سیاست خارجی ج.ا.ا شده است. دوم، ماهیت انقلاب اسلامی و ایدئولوژیک بودن سیاست خارجی است که بر تعاریف ج.ا.ا از تهدیدات و فرصت‌ها تأثیر زیادی داشته است. این مؤلفه ارتباط بین مسلمانان منطقه قفقاز و آسیای مرکزی و خاورمیانه را تسهیل کرده و این در حالی است که حساسیت روسیه و ایالات متحده را نیز به شدت برانگیخته است. مؤلفه سوم در رابطه با نقش روابط ایران و آمریکا است. انقلاب اسلامی، به دنبال آن گروگان‌گیری در سفارت آمریکا و واقعه یازده سپتامبر، باعث رویکرد خصمانه این کشور نسبت به ج.ا.ا ایران شده و این دیدگاه به کشورهای منطقه قفقاز منتقل شده است. با توجه به نفوذ و فشاری که آمریکا در منطقه‌های مجاور ج.ا.ا دارد، کشورهای قفقاز جنوبی زیر فشار آمریکا در ایجاد روابط با ج.ا.ا بسیار محتاطانه

عمل می‌کنند که این باعث کند شدن روند ارتباطی این کشورها با ج.ا.ا می‌گردد. مؤلفه دیگر موقعیت ژئوپولیتیکی ایران است.

ایران دارای تمدنی پنج هزار ساله است و با وسعتی معادل ۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومتر مربع از شمال به دریای خزر و جمهوری آذربایجان و ارمنستان و ترکمنستان و گرجستان، از شرق به افغانستان و پاکستان و از غرب به ترکیه و عراق و در جنوب به خلیج فارس و دریای عمان منتهی می‌گردد (مینایی، ۱۳۸۱: ۷۸). با این مشخصات ج.ا.ا در بین سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا قرار گرفته و حوادث در این قاره‌ها به‌طور مستقیم بر این کشور تأثیر می‌گذارد (ولدانی، ۱۳۸۴: ۲۳). این موقعیت خاص باعث مورد توجه قرار گرفتن ج.ا.ا در طول صدها سال بوده است. گذرگاه نظامی برای قدرتهای بزرگ، جاده بازرگانی و معبری برای دستیابی به مناطق دیگر مانند خلیج فارس از جمله مواردی است که در دوران گذشته باعث جلب توجه دیگران نسبت به این کشور شده است. همین موقعیت مرکزی باعث گردیده که عنصری تأثیرگذار در شکل‌گیری حوزه‌های ژئوپولیتیکی مجاور خود مانند قفقاز، آناتولی، حوزه آسیای مرکزی، حوزه خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند و حوزه ژئوپولیتیکی فلات ایران باشد و بر اهمیت ژئواستراتژیکی ج.ا.ا افزوده گردد (صفری، ۱۳۸۳: ۷۴-۶۵). به لحاظ استراتژیک بین دو حوزه نفتی خلیج فارس و دریای خزر قرار گرفته و باعث گردیده هم مشرف بر تولید و انتقال منابع انرژی باشد و هم از مناطق شمال و جنوب برای ایجاد فضای همکاری و پیوند با کشورهای این مناطق سود ببرد (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۳: ۱۷۸-۱۷۷). ناگفته نماند که ج.ا.ا بر تنگه هرمز به عنوان شاه‌رگ اقتصادی انرژی و اقتصاد جهانی مسلط است.

علی‌رغم تلاشهای قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ برای نادیده گرفتن ایران از ترتیبات امنیتی منطقه، به دلایل ذکر شده، این کشور دارای نقشی انکارناپذیر است. مهمتر از همه اینکه این کشور به لحاظ ژئواستراتژیک متصل به قاره اوراسیا است (مینایی، ۱۳۸۱: ۱۴۱). با توجه به این موضوع اهمیت استراتژیک و ژئوپولیتیک ج.ا.ا بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی افزایش پیدا کرده و با توجه به هموار شدن رابطه بین ج.ا.ا و کشورهای قفقاز، ج.ا.ا می‌تواند به عنوان معبری برای

دستیابی این کشورها به خلیج فارس محسوب شود و از این امتیاز بهره‌برداری کند و هم کشورهای را که در مسیر هستند منتفع سازد (ثقفی عامری، ۱۳۷۳: ۱۱۷). البته این اهمیت از چشم قدرتهای بزرگ نیز پوشیده نیست. ناگفته نماند که حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ عامل دیگری برای افزایش اهمیت اوراسیا و به تبع آن ج.ا.ا گردید (سجادپور، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

با عنایت به این ویژگیهای استراتژیک و ژئوپولیتیکی که گفته شد رسیدن به این نتیجه‌گیری آسان خواهد بود که ج.ا.ا می‌تواند عنصر تأثیرگذاری بر روند تحولات منطقه خزر در ابعاد اقتصادی و امنیتی باشد. همچنانکه منطقه قفقاز جنوبی به لحاظ ویژگیهای ژئوپولیتیکی و استراتژیکی خود و با توجه به تحولات وسیع و پی در پی بر امنیت ج.ا.ا تأثیر خواهد گذاشت.

اهداف، منافع و مواضع سیاست خارجی ج.ا.ا در قفقاز جنوبی

جهتگیری سیاست خارجی ج.ا.ا از سال ۱۳۶۳ به بعد در باز کردن درهای کشور به دنیای خارج بوده است. اساس این رویکرد به گفته مقام معظم رهبری متضمن مناسبات عقلایی موجه و سالم با همه کشورهای بوده و هدفش خدمت به مصالح ایدئولوژیک عنوان گردید (رمضانی، ۱۳۸۳: ۵۹). شرایط خودیاری جدیدی که بر اثر شکل‌گیری نظام و ساختار چند قطبی یا چند قطبی معطوف به تک قطبی ایجاد شد، بر رفتار سیاست خارجی ایران تأثیر گذاشته و باعث شد که با توجه به شرایط جدید، ج.ا.ا سعی در اتخاذ مواضعی کند که منجر به خارج شدن از انزوا و رو آوردن به سیاست اتحاد و اتفاق باشد و در همین راستا به سمت همکاری با قدرتهای رقیب آمریکا به‌ویژه روسیه حرکت کرد (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۰۲۵-۱۰۲۱). با توجه به قانون اساسی ج.ا.ا، سیاست خارجی ج.ا.ا را در بخش مواضع جهانی و منطقه‌ای می‌توان در یک گستره کلی این‌گونه بیان کرد: در بعد جهانی نفی سلطه و سلطه‌طلبی، نقش دولت فعال و مستقل، نقش دولت سرمشق، سیاست خارجی متکی بر قدرت نظامی و تعقیب اهداف تدافعی و غیرتجاوزکارانه، سیاست اعتقاد به کنترل تسلیحات، منع تولید سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است. در بعد منطقه‌ای البته با تأکید

بر حوزه قفقاز و آسیای مرکزی می‌توان از سیاست ایجاد جو همکاری منطقه‌ای در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، اقدام به استقلال و تمامیت ارضی دولتهای منطقه، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق سیاستهای میانجی‌گرانه، تأکید بر اصل توافق دولتهای ساحلی حوزه خزر در جهت تدوین رژیم حقوقی دریای خزر و ایجاد جوی تنش‌زدایانه اسم برد (Holiday, 1996: p 79).

بررسی و شناخت تهدیدات و چالش‌های ایران در قفقاز جنوبی

همان‌گونه که قبلاً گفته شد با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تهدید جدی در مرزهای شمالی برطرف گردید، اما فروپاشی شوروی باعث ایجاد واگرایی‌هایی در منطقه و رویدادهای دیگر شد که این تحولات آفریننده تهدیدات جدیدی برای کشور گردید (حق جو، ۱۳۸۳: ۸۵).

از نظر تعارضات فرهنگی این منطقه همواره دچار التهاب بوده که ریشه در گذشته سیاسی منطقه و سیاستهای شوروی سابق دارد. بعد از فروپاشی با استقلال جمهوری‌های جدید و ایجاد فضای باز این تعارضات و بحران‌ها خود را نشان دادند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیرات منفی بر امنیت ج.ا. داشته‌اند (سیف‌زاده، ۱۳۸۳: ۸۸). ناهمگونی قومی باعث شکل‌گیری بحران‌های گسترده‌ای در منطقه شده که احتمال سرایت آنها به کشور همواره وجود دارد. بحران قره‌باغ و ارمنستان به عنوان یک تهدید جدی در این رابطه قابل ذکر است. از سوی دیگر بهره‌برداری قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی از این بحران‌های هویتی خطرهای امنیتی مضاعفی را برای ج.ا. ایجاد می‌کند. به‌طور مثال چگونگی تلاش‌ها و نفوذ ترکیه بر جمهوری آذربایجان و گسترش اندیشه‌های پان‌ترکیسم از این دست است (زارع، ۱۳۸۲: ۱۷۵-۱۶۱). عامل دیگر تهدیدزا تنش‌های ناشی از دولت‌سازی در منطقه و جابه‌جایی مقامات دولتی کشورهای منطقه قفقاز است که به دلیل برخوردار نبودن از یک روند منطقی و قانونی باعث ایجاد بحرانهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و یا حتی کودتا شده است. این امر مقوله برنامه‌سازی تصمیم‌گیران در تهران را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. در مجموع باید گفت

منازعات مسلحانه، تعارضات فرهنگی- هویتی، حرکت‌های ملی‌گرایانه و پافشاری اقلیت‌ها بر استقلال و خودمختاری و جدایی‌طلبی ممکن است تهدیداتی را برای ج.ا.ا. به همراه داشته باشد که همواره این تهدیدات را جدی تلقی کرده است. بنابراین ثبات و امنیت برای جلوگیری از سرایت این مناقشات و تهدیدات در دستور کار ج.ا.ا. قرار گرفته است، اما امنیت کشور فقط به واسطه این تهدیدات به خطر نمی‌افتد بلکه بخشی از این تهدیدات به دلیل حضور قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که در بخش بعدی به آن اشاره خواهد شد.

تهدیدات ناشی از رفتار بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر امنیت ج.ا.ا.

الف- ایالات متحده آمریکا: این کشور یکی از عمده‌ترین بازیگران فرامنطقه‌ای محسوب می‌شود. آمریکا با توجه به نگاه خود به قفقاز جنوبی و نوع پیوندی که ج.ا.ا. با منطقه قفقاز جنوبی دارد همواره سعی در کم کردن نفوذ و حتی حذف ج.ا.ا. داشته است. جلوگیری از رشد اسلام‌گرایی در این جمهوری‌ها در واقع با هدف منزوی و محدود کردن ج.ا.ا. صورت می‌گیرد. تلاش برای معرفی کردن ترکیه به عنوان الگوی حکومتی به کشورهای منطقه و همچنین مخالفت با گذراندن خطوط لوله انتقال انرژی حوزه دریای خزر از طریق ج.ا.ا. به سوی بازارهای جهانی مصرف، ایجاد پایگاههای نظامی در چند نقطه در منطقه حوزه خزر با هدف محدود ساختن نفوذ ج.ا.ا. از جمله این تهدیدات محسوب می‌گردند (زب، ۱۳۸۴: ۴۶۴). از طرف دیگر حضور آمریکا که با اعمال فشار سیاسی و اقتصادی و نظامی همراه بوده بعضی از دولت‌ها را به فکر استفاده از حضور آمریکا به عنوان عامل متوازن‌کننده با ج.ا.ا. انداخته است (سجادپور، ۱۳۸۱: ۱۰-۸). حضوری این چنین، جو بی‌اعتمادی نسبت به ج.ا.ا. را افزایش داده و تلاش‌های میانجی‌گرانه ج.ا.ا. را بی‌ثمر گذاشته است. علاوه بر این ج.ا.ا. را به عنوان کشوری حامی تروریسم در چشم کشورهای منطقه قفقاز جنوبی جلوه داده است.

ب- اسرائیل: اسرائیل تلاش‌های زیادی را برای نفوذ در منطقه قفقاز انجام می‌دهد. این کشور با جمهوری آذربایجان روابط گسترده‌ای برقرار کرده و دلیل عمده چنین روابطی

داشتن مرزهای طولانی آذربایجان با ج.ا.ا است؛ کشوری که تل‌آویو از آن به عنوان دشمن یاد می‌کند. با وجود این می‌تواند در روابط دو کشور ج.ا.ا و جمهوری آذربایجان اختلال ایجاد کند و جو بی‌اعتمادی در روابط دو کشور و همچنین منطقه را افزایش دهد. تحلیل مقامات اسرائیلی این است که ایران با داشتن پیوندهای تاریخی، مذهبی، فرهنگی و جغرافیایی می‌تواند نگرانی‌هایی را در راستای ایجاد یک جبهه ضد صهیونیسم فراهم سازد. از این جهت ایران را به عنوان یک خطر جدی برای جمهوری آذربایجان معرفی می‌کند. علاوه بر این، اسرائیل روابط حسنه‌ای با کشور ترکیه یکی دیگر از رقبای ج.ا.ا در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی برقرار کرده که در اتحاد با آذربایجان می‌تواند یک نیروی ضد ایرانی در قفقاز را شکل دهد و نفوذ ج.ا.ا را در منطقه محدود کند و همه این موارد مانعی برای مطرح شدن ج.ا.ا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای خواهد بود. اسرائیل برای تحقق اهداف استراتژیک خود دست به ایجاد یک ائتلاف با ترکیه، آذربایجان، گرجستان و ائتلاف دیگری با ترکیه، اردن و احتمالاً عراق و از همه مهمتر با ایالات متحده زده است.

ج- اروپا: حضور اروپا در منطقه قفقاز جنوبی رقابت با ایالات متحده را در رویارویی با منافع اروپا در منطقه باعث می‌گردد و این رویارویی به معنای ایجاد فرصت برای ج.ا.ا در منطقه خواهد بود و برعکس اگر این دو قدرت به هر دلیلی به اشتراک در مواضع خود برسند دامنه تهدیدات علیه ج.ا.ا را عمیق‌تر خواهند کرد (امامزاده‌فرد، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۲). لازم به ذکر است که در دهه ۱۹۹۰ اروپا و آمریکا در مناطقی مانند آسیای مرکزی و قفقاز بیشتر از آنکه در جهت همکاری فزاینده عمل کنند در جهت دور شدن از هم حرکت کرده‌اند. البته نزدیکی این دو قدرت در قفقاز جنوبی به معنای پایان قدرت چانه‌زنی ج.ا.ا در قفقاز جنوبی، نزدیکی بیشتر اسرائیل با کشورهای قفقاز و ترکیه و انزوای هر چه بیشتر ج.ا.ا است. حمایت اروپا از طرحی مانند تراسیکا حتی می‌تواند موقعیت ژئوپولیتیکی ج.ا.ا را از نظر انتفاع به مخاطره بیندازد. حتی طرح امنیتی اروپا (۳+۲+۳) ممکن است ج.ا.ا را از ترتیبات منطقه‌ای کنار بگذارد اما برخی از صاحب‌نظران معتقدند که ممکن است مفید هم باشد زیرا واقعیت‌های موجود را به

رسمیت می‌شناسد. البته ج.ا.ا با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی خود برای اروپا اهمیت دارد که این موضوع فرصتی را برای ایران به وجود خواهد آورد.

تهدیدات کشورهای قفقاز جنوبی برای امنیت ملی ج.ا.ا

آذربایجان: این کشور طولانی‌ترین مرز را (۷۶۷ کیلومتر) در بین کشورهای قفقاز با ایران دارد و با وجود ۲۵ میلیون ترک‌زبان آذری از حساسیت زیادی در سیاست خارجی ج.ا.ا برخوردار است. این کشور با کشورهای ترکیه، اسرائیل و آمریکا هم‌پیمان شده و گزینه‌های جدیدی را برای غرب به‌منظور ساخت و انتقال انرژی به بازارهای مصرف معرفی کرده است. دارای تمایلات یورو آتلانتیکی^۱ است. خواستار این است که به عنوان یک کشور اروپایی محسوب شود. با سیاستهای روسیه مخالف است و موقعیت ژئوپولیتیکی ج.ا.ا را تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی خود قرار داده است. آذربایجان مکانی است که دشمنان ج.ا.ا مانند اسرائیل و آمریکا در آن نفوذ زیادی دارند. همه این موارد امنیت ج.ا.ا را به مخاطره می‌اندازد.

ارمنستان: علی‌رغم اهمیت ارمنستان برای ایران، استفاده ج.ا.ا از لابی با نفوذ ارمنی در اروپا و آمریکا، روند رو به گسترش روابط دو کشور در حوزه‌های مختلف، مطرح بودن این کشور به عنوان منطقه حائل بین آذربایجان و ترکیه و تهدیداتی که این کشور از جانب دو کشور یاد شده با آن روبه‌رو است، پافشاری ارمنه در مواضع خود مبنی بر اشغال قره‌باغ، روابط دو کشور را به مخاطره می‌اندازد. علاوه بر این با گرایش‌های یورو آتلانتیکی خود نفوذ ج.ا.ا را محدود می‌سازد و با همکاری با ناتو و نزدیکی با آمریکا به‌طور غیرمستقیم در منزوی و محدود کردن نفوذ ج.ا.ا نقش داشته است (حیدری، ۱۳۸۳: ۲۹۰-۲۸۸).

گرجستان: گرجستان هم با داشتن سیاستهای واگرایانه نسبت به مسکو، همکاری با غرب، علاقه‌مند بودن به ورود به ناتو و انعقاد قراردادهای نظامی با ترکیه و آمریکا به‌طور عملی همگام با سیاستهای ج.ا.ا حرکت نمی‌کند، اما به عنوان مخالف ج.ا.ا هم

1. Euro-Atlanticity

عمل نمی‌کند. گرجستان با عملکرد خود منطقه قفقاز را به صحنه رقابتهای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کرده است. اختلافاتی که بین تفلیس و مسکو وجود دارد و شدت یافتن بحرانهایی مانند اوستیای جنوبی، آبخازیا، آجاریا می‌تواند به سرایت این بحران‌ها و نتایج مترتب بر آن به مرزهای ج.ا.ا منجر شود. این موضوع علی‌رغم نداشتن مرز مشترک با ج.ا.ا، نشانه انعکاس ناامنی برای همه کشورهای همجوار منطقه قفقاز جنوبی است. از همه مهمتر موقعیت استثنایی گرجستان به عنوان دروازه ورود ناتو به منطقه و معبری برای انتقال خطوط انتقال انرژی به اروپا می‌تواند موقعیت ژئوپولیتیکی ج.ا.ا را به شدت به مخاطره بیندازد و اهمیت و حساسیت جغرافیایی ج.ا.ا را کم‌رنگ سازد که این موضوع در تضاد با منافع ج.ا.ا است. حمله روسیه به گرجستان باعث گردید تا بحث حضور قدرتها نه تنها در شرایط فعلی بلکه در آینده به‌طور جدی‌تری موضوعیت پیدا کند و این زنگ خطری برای ج.ا.ا است. از نظر ایران بحران فقط به دلیل حفظ اوستیای جنوبی بروز نکرده و دارای ابعاد پیچیده‌تری است و حضور قدرتهای بزرگ فرامنطقه‌ای در منطقه قفقاز می‌تواند حاشیه امنیتی ایران را کم‌رنگ‌تر نماید. این درست است که نیروهای فشار رو در روی هم قرار گرفته‌اند، اما نباید از نظر دور داشت که هر کشوری در منطقه به دنبال منافع ملی بر اساس تعریفی است که از قبل داده است، نزدیکی بعضی کشورها بر اثر بحران در منطقه الزاماً نمی‌تواند درست باشد. آنچه که مسلم است ج.ا.ا مایل به خطر انداختن تمامیت ارضی خود نیست و بحران گرجستان با منافع ج.ا.ا همخوانی ندارد و باعث تشنج در روابط کشورها و رو در رو قرار گرفتن کشورهای منطقه در ابعاد و صور مختلف خواهد بود که نمی‌تواند منافعی را در حتی کوتاه‌مدت در بر داشته باشد. اما طبیعی است بحران گرجستان هم چالش برانگیز است و هم فرصت‌ساز، از جمله ج.ا.ا می‌توانست به عنوان کشوری که از توان بالایی دیپلماتیک برخوردار است به عنوان میانجی نقش شایسته‌ای بازی نماید و به بالا بردن موقعیت خود در منطقه کمک نماید.

نتیجه‌گیری

ایران به دلیل عضویت در زیر مجموعه قفقاز جنوبی و متأثر شدن از تحرکاتی که در این زیر مجموعه اتفاق می‌افتد، در معرض انواع تهدیدات و چالش‌هایی است که در منطقه قفقاز جنوبی وجود دارد.

بعد از استقلال و تبعات ناشی از آن کشورهای منطقه قفقاز در سطح بسیار وسیعی به ایجاد رابطه با کشورهای دیگر مبادرت کردند. از آنجا که منطقه قفقاز از حساسیت بالایی به لحاظ داشتن منابع فسیلی برخوردار است و موقعیت برجسته ژئوپولیتیکی دارد، طیف نسبتاً گسترده‌ای از قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به نیروهای تأثیرگذار بر روابط بین‌الملل کشورهای منطقه قفقاز جنوبی بدل شده‌اند. از سوی دیگر مسائل داخلی این کشورها که بیشتر ناشی از شرایط گذشته تاریخی و مسائل ناشی از استقلال است، مانند شرایط ناپایدار شکننده؛ روابط قومی فرهنگی این جوامع که ممکن است منطقه را آستان حوادث و درگیری‌های قومی، مذهبی و زبانی کند؛ اقتصاد ناکارآمد، وابسته و ضعیف و بحرانهای اقتصادی، تورم، بیکاری و وجود خلأ امنیتی در منطقه باعث شده که تمام اقدامات امنیتی، قائم به عمل و عکس‌العمل‌های کشورهای منطقه قفقاز همچنین قدرتهای فرامنطقه‌ای گردد. همین موضوعات تعارضات امنیتی در منطقه قفقاز را تشدید کرده و باعث ورود قدرتهای فرامنطقه‌ای به منطقه و افزایش کشورهای بازیگر در قفقاز جنوبی شده است. جلوه این تعارضات را در تقابل منافع و دیدگاههای امنیتی ج.ا.ا و کشورهایمانند ترکیه، اسرائیل، آمریکا و آذربایجان می‌توان مشاهده نمود، که این کشورها در صدد حذف ج.ا.ا از معادلات امنیتی قفقاز جنوبی هستند. نزدیکی دیدگاههای ج.ا.ا با دیدگاههای کشورهایمانند ارمنستان و روسیه و تقابل با آمریکا، اسرائیل و گرجستان، شرایط پیچیده امنیتی را در منطقه حاکم کرده که به ضرر منافع ملی کشور است، همچنین باعث شکل‌گیری محورهای امنیتی متفاوتی شده است که هیچ‌کدام در جهت منافع ملی ج.ا.ا نیستند. بنابراین ج.ا.ا باید از تمام امکانات موجود خود در سیاست خارجی استفاده نماید تا بتواند این تقابل و تعارض را در منطقه به تفاهم و تعامل بدل نماید. نیز باید در جهت ایجاد جو اعتماد و تعامل با کشورهای

منطقه حرکت کند و در حد توان خود تنش‌زدایی و نزدیکی دیدگاهها را ترویج و تشویق نماید.

منابع

۱. اطاعت، جواد. ژئوپولیتیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سفیر، تهران، ۱۳۷۶.
۲. امامزاده‌فرد، پرویز. «افزایش زمینه‌های همگرایی در برداشتها و مناسبات اتحادیه اروپا و آمریکا»، کتاب امنیت بین‌الملل ۳ - فرصتها، تهدیدات و چالشهای فراروی امنیت جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴.
۳. تاجیک، محمدرضا. «گفتمان امنیت ملی در ج.ا.ا»، مندرج در نگاهی به مسائل امنیتی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۰.
۴. ثقفی عامری، ناصر. استراتژی و تحولات پس از جنگ سرد، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۳.
۵. حاج‌یوسفی، امیر. «نظریه والتز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲، سال ۱۶، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.
۶. حاج‌یوسفی، امیر. سیاست خارجی ج.ا.ا در پرتو تحولات منطقه‌ای، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۴.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی. افقهای جدید در جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۳.
۸. حق‌جو، میرآقا. «قفقاز جنوبی و بازتاب تعارضات هویتی، فرهنگی بر بی‌ثباتی منطقه»، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳.
۹. حیدری، جواد. «بررسی دیدگاه ارمنستان در خصوص ترتیبات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی»، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳.

۱۰. داوید، دومینیک. *مفهوم امنیت پس از ۱۱ سپتامبر*، ترجمه معصومه سیف افجه‌ای، دفتر مطالعات بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۳.
۱۱. دهشیار، حسین. *سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا*، قومنس، تهران، ۱۳۸۶.
۱۲. دهشیری، محمدرضا. «جرقة آرمانگرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی ج.ا.ا»، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۲، سال ۱۵، ۱۳۸۱.
۱۳. رضانی، روح‌الله. *چارچوب تحلیلی بر سیاست خارجی ج.ا.ا*، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳.
۱۴. زارع، علیرضا. «تأثیر نظام امنیت بین‌الملل در منطقه قفقاز بر امنیت ج.ا.ا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل، ۱۳۸۲.
۱۵. زب، رضوان. «حضور فعال نظامی آمریکا در گرجستان و آذربایجان و تأثیر آن بر ایران و روسیه»، *مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز*، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳.
۱۶. سجادیپور، محمدکاظم. «سیاست خارجی آمریکا و مسأله انرژی در مناطق شمال ایران»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳.
۱۷. سجادیپور، محمدکاظم. *سیاست خارجی ج.ا.ا*، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۱.
۱۸. سیف‌زاده، حسین. *معماری امنیت و چالش‌های پیش‌روی غرب*، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳.
۱۹. صفری، مهدی. «همکاری‌های ایران در قفقاز و آسیای مرکزی، اولویتها و بایدها و نبایدها»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۷، سال ۱۲، ۱۳۸۳.
۲۰. عندلیب، علیرضا و شریف معطوف. «چشم‌انداز تحولات جهانی قرن بیست‌ویکم و نقش آمایش مناطق مرزی ج.ا.ا و پیوندهای داخلی، منطقه‌ای و جهانی»، *مجموعه مقالات همایش ایران در قرن ۲۱*، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۳.
۲۱. عیوضی، محمدرحیم. «بحثی در نظریه‌پردازی امنیت ملی»، *فصلنامه مطالعات دفاعی و استراتژیک*، شماره ۲۷، سال هفتم، ۱۳۸۵.
۲۲. متقی، ابراهیم. «قفقاز جنوبی در جست‌وجوی همگرایی با ناتو، توهم استراتژیک قفقازی‌ها»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره اول، سال اول، ۱۳۸۵.

۲۳. مورگان، پاتریک ام. و دیوید ای لیک. *نظم‌های منطقه‌ای، امنیت‌سازی در جهانی نوین*، ترجمه سید جلال دهقانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۱.

۲۴. مینایی، مهدی. *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران*، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.

25. Holiday, Fred. (1996). "Condemned to React, Unable to Influence: Iran and Transcaucasus", London: UCL Press.